

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ثبات بر مبدأ و عدم سازش

(ترجمه)

سخن گفتن از ثبات بر مبدأ، به مثابه اقتداء کردن به رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه بزرگوارشان است و همچنین راهی است که به بهشت منتهی می‌شود و بیانگر داشتن حب الله و رسولش و همچنین، تمسک ورزیدن بر عقیده اسلامی و استقامت بر آن و مقتضیات آن تا هنگام مرگ می‌باشد.

ثبات در لغت بقاء و عدم زوال و یاهم ثبات بر فکر و استمرار بر آن را با دلیل گویند و ثبات به معنی شجاعت و فعال بودن نیز بکار برده شده است. اما ثبات در اصطلاح؛ استقامت بر راه هدایت و درست و تمسک ورزیدن بدان با عزم و اراده قوی و اصرار ورزیدن بر ادامه آن را گویند. این استقامت می‌طلبد که باید وساوس شیطانی و هوس‌های نفسانی را زیر پا کرد و بر ترک معاصی و توبه بسوی الله سبحانه و تعالی حریص بود. و این معنی و مفهوم در کتاب الله سبحانه و تعالی خطاب به رسول الله و مؤمنان آمده است:

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لَتَقْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا (73) وَ لَوْلَا أَنْ تَبَنَّاكَ لَفَدَّتْ وَرَكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْءًا قَلِيلًا (74) إِذَا لَأَذْفَنُكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَ ضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا﴾ [اسراء: 73-75]

ترجمه: نزدیک بود کافران (با نیرنگ‌های گوناگون و نیروهای زر و زور) تو را از (حکم) آنچه به تویی وحی کرده ایم (و قرآنش نامیده ایم، دور و) منصرف گردانند (و فقراء را از پیش تو برانند) تا (در عمل، حکم) جز قرآن را به ما نسبت دهی و آن گاه تو را به دوستی گیرند و (همدمی تو را ببندند) و اگر ما تو را استوار و پای برجای (بر حق) نمی‌داشتیم، دور نبود که اندکی بدانان بگرائی (و اگر چنین می‌کردی) در این صورت عذاب دنیا و عذاب آخرت (تو) را چندین برابر (می‌ساختیم) (و) به تو می‌چساندیم (چرا که گناه بزرگان بزرگ است). سپس در برابر ما یار و یابوری نمی‌یافتی (تا عذاب ما را از تو به دور دارد).

بزرگترین فتنه و گناه ترک وحی الهی و بزرگتر از آن افتراء نمودن در دین و تکذیب نمودن رسول امین و تمسک ورزیدن به حکم طاغوت می‌باشد. حاکمیت دموکراسی، دوستی با کفار استعمارگر و عادی‌سازی روابط با آن‌ها، بسته نمودن دروازه‌های مساجد، جلوگیری از حلقات حفظ قرآنکریم، ممانعت طواف دور کعبه معظمه، منع بوسیدن حجرالأسود و جلوگیری از لمس رکن یمانی؛ همه این‌ها افتراء در دین و ترک ثوابتی است که در کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول آمده.

در حدیثی که از مالک و حاکم روایت شده است رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«تَرَكَتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ»

ترجمه: در بین شما دو چیز را برجای گذاشتم که اگر بدان تمسک ورزید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب الله و سنت پیامبرش.

همه گمراهی‌ها و انحراف‌ها ناشی از ترک این دو چیز بوده و برای حل مشکلات تفحص نمودن در غیر این دو چیز گمراهی بشمار می‌آید، از همین سبب است که علماء و اهل اسلام بر دوام این قول الله سبحانه و تعالی تأکید دارند:

﴿رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [آل عمران: 8]

ترجمه: پروردگارا! دل‌های ما را (از راه حق) منحرف مگردان بعد از آنکه ما را (از حلاوت هدایت چسانده و بسوی حقیقت) رهنمود نموده‌ای و از جانب خود رحمتی به ما عطاء کن. بی‌گمان بخشایش‌گر تویی تو!

ثبات بر مبدأ بیانگر صحت منهج، قوت ایمان و یقین مؤمن نسبت به الله سبحانه و تعالی است. دعوت‌گر همیشه نسبت به پلان‌های شومی که علیه این دین طرح‌ریزی می‌شود، بیدار بوده و واقعیت تلخ، جمود جامعه، عدم استجابت دعوت و طول مسیر؛ همه این‌ها دلیل بر صدق و اخلاص وی بوده و بزودی به اهداف خود نایل خواهد گشت! دعوت وی تا جایی که شب و روز در آن راه داشته باشد، خواهد رسید و هر قدر که دعوت‌گران کافر و اهل فسق و فجور بر ضد وی و دعوتش فعالیت کنند؛ در صورتی که وی از ثبات فکری برخوردار باشد و در دعوتش استقامت داشته باشد، دعوت‌شان بی‌تأثیر بوده و از سوی الله سبحانه و تعالی نصرت داده خواهد شد و بزرگترین دلیل بر صحت عملکرد و یقین وی، همراهی و نصرت الله سبحانه و تعالی می‌باشد. «مَا ظَنُّكَ يَا ثَنِينُ اللَّهُ تَالِيَهُمَا»

ثبات دعوت‌گر بر مبدأ سبب جلب اعتماد مردم نسبت به وی و دعوت‌اش می‌گردد، که در نتیجه بالای‌شان تأثیر گذاشته و آرامش را در میان‌شان منتشر می‌سازد، در وقت مصیبت به وی رجوع می‌کنند و از وی راحل می‌خواهند -الله به سرساننده امر خود است- و او این سخن رسول الله صلی الله علیه و سلم را برای‌شان بازگو می‌کند:

«وَاللَّهِ لَيَتِمَّنَّ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَسِيرَ الرَّكْبُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمُوتَ مَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ أَوِ الدِّنْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ» (رواه بخاری)

ترجمه: قسم به الله که این دین چنان تکمیل و پرتوان شود که مسافر از صنعاء تا حضرموت برود و جز خوف الله دیگر هیچ خوفی در دل نداشته باشد، مگر آن‌که از گرگ بر گوسفندان خود هراس داشته باشد؛ لیکن شما عجله می‌نمائید (شکیبایی اختیار کنید).

و همچنین برای‌شان روایت تمیم الداری رضی الله عنه بازگو می‌کند که گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌گفت:

«لَيَبْلُغَنَّ هَذَا الْأَمْرُ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَ لَا يَتْرُكُ اللَّهُ بَيْتَ مَدْرٍ وَ لَا وَبَرَ إِلَّا أَدَخَلَهُ اللَّهُ هَذَا الدِّينَ، بَعْرَ عَرِيْزٍ أَوْ بَدْلَ ذَلِيلٍ، عَزَا يُعْرِئُ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ وَ دُلًّا يُذِلُّ اللَّهُ بِهِ الْكُفْرَ» (رواه احمد فی مسنده)

ترجمه: این امر (دین اسلام) حتماً تا جایی که شب و روز برسد، خواهد رسید، الله (سبحانه و تعالی) هیچ خانه و خیمه‌ای را نمی‌ماند، مگر این‌که این دین را با عزت بخشیدن به عزیز و خوار کردن ذلیل، وارد آنجا می‌کند؛ عزت‌مند می‌کند کسی را که بدان بپیوندد و ذلیل می‌کند کسی را که با آن مخالفت کند.

دعوت‌گر در برابر مشکلات سرتسلیم فرود نمی‌آورد و در برابر واقعیت تسلیم نمی‌شود، تحت تأثیر خواسته‌های حماسه-سرایان عجول نمی‌رود و از ثوابت و ثبات خود بدور نمی‌شود، در مذاکرات خود به راحل‌های غیر شرعی تن نمی‌دهد و مفکوره حل وسط را نمی‌پذیرد، زیرا حق به وی چنین اجازه نمی‌دهد که خلاف رسول الله صلی الله علیه و سلم گام بردارد، از موقف خود تنازل نمی‌کند، حتی اگر اکثریت مردم از دعوت وی روی گردان شوند. در دعوت برایت هیچ اختیاری نیست که طبق دلت و مناسب به احوالت هرچه را خواستی بگیری و هرچه را نخواستی پشت سر کنی! دین الله سبحانه و تعالی را فقط کسی نصرت خواهد داد که همه‌جانبه آن را پذیرفته و در زندگی‌اش تطبیق می‌کند، دعوت رسول الله که مؤمنان صادق بر آن استقامت و پایداری دارند، اینست: «شما را فرا می‌خوانم تا گواهی دهید که هیچ معبودی غیر از الله یکتا وجود ندارد و محمد بنده و رسولش می‌باشد و این‌که مرا پناه دهید و یاری رسانید، زیرا قریش علیه دین الله خیزش نمودند و رسولان وی را تکذیب نمودند و در عوض حق به باطل بسنده کردند و الله بی‌نیاز ستوده شده است.» بلی، الله سبحانه و تعالی از انسان‌های سست عنصر و بی‌ثبات- مثل حرباء- در دین بی‌نیاز می‌باشد؛ اما با بیان مثال، این مقوله واضح‌تر می‌گردد: این ثبات مطلوب را در موقف‌گیری بلال بن رباح رضی الله عنه و ثبات آن بر قول «احد احد» مشاهده می‌کنیم که از موقف خود تنازل ننمود و همچنان استقامت نمود تا آن‌که الله سبحانه و تعالی یاریش نمود. این خبیث بن عدی رضی الله عنه است که برای گردن زدنش جلب شد و دشمنان برایش گفتند که آیا دوست داری به جای تو محمد گردن زده شود و تو در میان کسانت باشی؟ وی رضی الله عنه گفت: «سوگند به الله که دوست ندارم رسول الله در جای خود باشند و خاری به پای‌شان بخلد و

ایشان را اذیت کند و من در میان کسانم سالم باشم.» این خباب رضی الله عنه است که بر شکنجه شدن توسط اُم انمار صبر و شکیبایی پیشه می‌کند، این زن تکه آهن سوزنده و شعله‌ور را بر فرق سرش می‌گذاشت و کار بجای می‌رسید که وی رضی الله عنه از درد به خود می‌پیچید، حتی آنان سنگ داغ و تافته را بر پشت وی می‌گذاشتند تا جایی که گوشتی برای وی باقی نماند؛ اما باز هم بر ثبات خود ماند و رسول الله وقتی از نزد وی می‌گذشتند می‌گفتند: «بارالها! خباب را یاری کن!»... این مبحث گنجایش بیان امثال و نمونه‌های دال بر ثبات در مبدأ را ندارد.

در اخیر، هر مسلمان باید بداند که ثبات بر مبدأ در ذات خود نصرت می‌باشد. نصرت دین باید همه‌جانبه و فراگیر باشد و هرکسی که به شرف و منزلت دعوت و اقتداء به رسول الله نایل گردیده است، باید اسلام را همه‌جانبه و بگونه آتی نصرت دهد و بر ثبات خود پایدار بماند: «ای رسول الله! با تو بیعت می‌کنیم که سخنانت را بشنویم و اطاعتت نماییم، در هر حالی از احوال، در خوشی و ناخوشی، در سختی و آسانی، در امر به معروف و نهی از منکر و اینکه سخن حق را در راه الله می‌گوییم و از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسیم.»

لذا برای دعوت‌گران لازم است که همیشه یکدیگر را در سختی و آسانی بر صبر توصیه کنند و بر ثبات و پایداری و ملیس شدن به اخلاق ثابت‌قدمان کوشا و حریص باشند! ما در زمان فتنه‌ها بسر می‌بریم، برای ما غیر از کتاب الله و سنت رسولش چیزی دیگری وجود ندارد که بدان تمسک ورزیم و بر آن ثابت قدم باشیم! نصرت فقط از نزد الله سبحانه و تعالی که شکست‌ناپذیر و با حکمت است، محقق شدنیست، وی سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ [محمد: 7]

ترجمه: اگر (دین) الله را نصرت دهید، وی شما را نصرت می‌دهد.

نویسنده: سعید الکریمی (ابو عبدالرحمن)

مترجم: محمد مزمل